

مهاجرت و شهرنشینی؛ علل و پیامدها

دکتر عیسی ابراهیمزاده*

چکیده

مهاجرت و شهرنشینی از جمله موضوعات مهمی است که در قرن بیستم و بخصوص نیمه دوم آن توجه بسیاری از محققان و برنامه‌ریزان را به خود جلب نموده است. لیکن نکته مهم در مطالعات مربوط به مهاجرت و اثر آن بر افزایش جمعیت شهرها، توجه به علت واقعی مهاجرتهاست. بجای محکوم کردن این پدیده و نسبت دادن تمام مسائل و مشکلات شهری به مهاجرت‌های بی‌رویه روستایی، باید دید که منشأ آن چیست و چگونه این پدیده در جوامع تجلی کرده و احیاناً به چه ترتیب از پیامدهای منفی آن جلوگیری شده است؟ مهاجرت فرایندی انتخابی است که با خصوصیات اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و جمعیتی مشخص در افراد تأثیر می‌گذارد؛ و نفوذ نسبی عوامل اقتصادی و غیراقتصادی نه تنها ممکن است بین کشورها و مناطق، بلکه حتی در داخل مناطق و جمعیت‌های جغرافیایی مشخص متفاوت باشد؛ لیکن عموماً مکانیسم مهاجرت دارای نیرویی دوجانبه است و معلول جذب و دفع عوامل اقتصادی و اجتماعی است. امروزه توسعه شهرها و گسترش صنایع در رشته‌های گوناگون که خدمات مربوط به آنها را نیز پدید آورده، همچنین برقراری ابزار جدید و تکنیک‌های نو تولید زراعی در روستاها، زمینه‌ای را فراهم نمود که از یک طرف نیاز شهر به نیروی انسانی بیشتر را مطرح و از طرف دیگر تمرکز بی حاصل و بی‌ثمر همین نیرو را در روستا پدید آورد. با وجود آمدن چنین حالتی است که ما با مسئله مهاجرت روبرو خواهیم بود و حال اگر تعادلی بین این دو متغیر دفع از روستا و جذب در شهر بوجود نیاید، امر مسلم این است که با مشکلات فراوان هم در روستاها و بخش کشاورزی و هم در شهرها روبرو خواهیم شد و امروزه اغلب کشورهای جهان سوم از این شرایط و پیامدهای آن رنج می‌برند. لذا باید گفت عمده‌تفاوت در کارکردها، خدمات و زمینه‌های اشتغال و درآمد در شهر و روستا و تفاوت‌های منطقه‌ای از جمله مهمترین علل مهاجرت‌های روستا-شهری بوده که بدنبال آن گسترش بی‌رویه شهری به لحاظ فیزیکی و جمعیتی و نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی، ناشی از آن و همچنین گسترش محلات حاشیه‌نشین بخصوص در شهرهای بزرگ از جمله عمده‌ترین پیامدهای مهاجرتی بر شهرها می‌باشد.

مقدمه

در آغاز دهه شصت (۱۹۶۰)، اولین دهه توسعه که بوسیله سازمان ملل اعلام شد، تئوری قراردادی توسعه بر این باور بود که در کشورهایی که دارای نیروی زراعی اضافی باشند، توسعه تنها بوسیله انتقال این نیروی انسانی از بخش کشاورزی به صنعت، به گونه‌ای که نیروی کار به صورت کار اتری مورد استفاده قرار گیرد، امکان پذیر است. کشورهای کم توسعه یافته سعی خود را در چندین مرحله تا توسعه صنعتی را در مناطق شهری بزرگ که مستعد این کار هستند، تشویق نمایند به این امید که توسعه صنعتی به نوبه خود، انگیزه‌های اقتصادی مورد لزوم را برای دیگر بخشهای اقتصادی فراهم سازد؛ بر همین اساس راهبردهای توسعه، خواستار مهاجرت وسیع کشاورزان کم کار از مزارع به سوی شهرها شد که باید برای تحریک توسعه صنعتی به کار گرفته شوند.

در آغاز دهه هفتاد (۱۹۷۰) روشن شد که این راهبردهای تطبیقی بر نامه پیش نمی‌رود؛ در حالیکه بازده و افعار شد کرده بودولی مزایای توسعه حاصل نگشته بود. مهم تر آنکه پدیده‌های بیکاری و کم کاری و قابلیت تولید پائین نه تنها در مناطق روستایی دوام یافت بلکه نرخ بالای بیکاری و کم کاری در مناطق شهری تجربه شد. مهاجرین زیادی بجای آنکه از منافع رشد سریع صنایع بهره مند شوند با فقر وسیع در مناطق شهری و روستایی روبرو گشتند.

از آنجا که مهاجرت وسیع شهری با نبوهی از مسائل شهری و روستایی همراه است در کشورهای در حال توسعه علاقه روز افزونی به طرح برنامه‌هایی جهت تغییر و کنترل جریان مهاجرت به چشم می‌خورد. تحقیقی که توسط سازمان ملل انجام شد نشان می‌دهد که ۵۰ درصد کشورهای کم توسعه یافته، رشد حوزه‌های شهری خود را از آند تلقی کرده و تقریباً به همان میزان، یعنی ۴۶ درصد این گونه کشورهای، خط مشی‌هایی را برای معکوس کردن مهاجرت از حوزه‌های شهری به مناطق روستایی طرح کرده اند (فنیدلی، ۱۳۷۲: ۸ و ۷). با این حال در طول چند دهه گذشته، بیشتر کشورهای در حال توسعه شاهد جابجایی‌های شتاب آلود جمعیت به سوی شهرهای بزرگ خود بوده اند که این جریان، موجب گسترش نابرابری بین مناطق مختلف شده، هزینه اداره مادر شهرهای بزرگ را که جمعیتی بیش از گنجایش دارند، افزایش داده و مانع رسیدن به هدفهای عمده توسعه شده است. بر پایه تجربیات به دست آمده از سیاستگذاری برخی از کشورهای در حال توسعه، کاملاً آشکار می‌گردد که اقدامات درمانی کوتاه مدت نمی‌توانند مؤثر باشند بلکه تنظیم خط مشی‌هایی مورد نیاز است که هدفشان از

بین بردن نابرابریها و تفاوتهای آشکار بین مناطق روستایی و شهری از نظر فرصتها و کیفیت زندگی باشد (اوبرای، ۱۳۷۰: ۱۲). اینک در این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی-تطبیقی به بی‌جویی علل و پیامدهای ناشی از مهاجرت بر شهرنشینی و کار کردهای شهری پرداخته شده است.

مبانی و دیدگاههای نظری

در خصوص عوامل مؤثر شکل گیری مهاجرت، دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. بطور کلی کار کردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی، اداری و غیره در این امر و چگونگی شکل گیری آن مؤثر می‌باشند که در اینجا به برخی از این نظریات اشاره می‌شود:

۱- نظریه تفاوتها: این نظریه که به تئوری دفع و جذب و یا رانش و کشش معروف است، مبنای حرکت و جابجایی و مهاجرت را بر روی اندیشه توسعه ناهماهنگ شهر و روستا و تضاد میان این دو بخش قرار می‌دهد و معتقد است که به علت محدودیت‌های روستایی از یک طرف و برتریهای شهری از سوی دیگر، مهاجرت و جابجایی نیروی انسانی شکل می‌گیرد، و تا زمانی که این دو به توازن نرسند، این روند ادامه خواهد یافت. چنانچه «راندنیل» و «الی» به این دیدگاه معتقد می‌باشند.

۲- نظریه مهاجرت به علل کودی: این نظریه مبنای کار را بر شرایط کودنسی اجتماعی انسانی قرار می‌دهد، بدین معنی که معتقد است شرایط کودی، دوره‌ای از حیات اقتصادی جامعه است که به صورت افزایش تدریجی جمعیت

○ «نظریه تفاوتها» که به تئوری دفع و جذب، یا رانش و کشش، معروف است، مایه حرکت و جابه جایی و مهاجرت را، توسعه ناهماهنگ شهر و روستا و تضاد میان این دو بخش می‌داند و بر آن است که به علت محدودیت‌های روستایی از یک سو و برتریهای شهری از سوی دیگر، مهاجرت و جابه جایی نیروی انسانی شکل می‌گیرد و تا هنگامی که توازنی میان این دو پدید نیاید، روند یاد شده ادامه خواهد داشت.

۴- نظریه کار کرد باوری: کار کرد باوران بر این عقیده اند که چون در یک نظام تعادل به هم می خورد لذا مهاجرت یک عنصر الزامی جهت برقراری تعادل مجدد در جامعه است. بطوریکه در بسیاری از کشورها (بخصوص کشورهای جهان سوم) بعضی مناطق از لحاظ توسعه از سایر مناطق پیشی گرفته و فرصتهای مختلفی را برای افراد بوجود می آورند در حالیکه مناطق عقب مانده تر، توانایی جذب استعداد های موجود در جامعه خود را ندارند، لذا نیروی اضافی انباشت شده در یک منطقه در پی فرصتهای مختلف به مناطقی کشیده می شوند که در آن مناطق فرصتهای بیشتر از ظرفیت افراد است. از این جهت، مهاجرت از یک طرف به مکانیزم تطابق شخص با تغییرات ایجاد شده بدل می گردد و از طرف دیگر، تعادل از دست رفته را به جامعه باز می گرداند (لهسانی زاده، ۱۳۶۸: ۱۳).

عوامل جمعیتی مؤثر بر مهاجرت

با پیشرفت مراقبتهای بهداشتی روستایی و سطح تغذیه در جهان در حال توسعه و همراه با سطح بالای باروری مستمر، میزان رشد طبیعی به سرعت افزایش یافته است. میزان مولید و مرگ و میر در بیشتر مناطق شهری در حال کاهش بوده ولی در بسیاری از مناطق روستایی فقط میزان مرگ و میر کاهش یافته است. تخمینهای سازمان ملل نشان می دهد که باروری در مناطق روستایی، عموماً از مناطق شهری بیشتر است. میزان بالای رشد جمعیت روستایی، اغلب به مهاجرت روستا به شهر می انجامد؛ زیرا که شکاف بین رشد جمعیت و ایجاد کار در مناطق شهری کمتر بوده است. فرصتهای اشتغال شهری، جایی که میزان دستمزدها اساساً از مناطق روستایی بیشتر است کسب بیشتری را اعمال می کند. همانطور که تودار و نشان داده هر شغلی که در مناطق شهری بوجود می آید احتمال جذب مهاجرین را از بخش روستایی با دستمزدهای پایین دارد (فنیلی، ۱۳۷۳: ۱۴۹).

عمدتاً شهرهای جهان سوم، شتاب اخیر در رشد خود را تحت تأثیر شرایط متفاوت از شرایط باروری غرب آغاز کردند. در اینگونه مناطق برخلاف اروپای قرن نوزدهم، میزان مرگ و میر پیشاپیش بر اثر بهداشت پیشرفته، مراقبتهای پزشکی و تغذیه، شروع به کاهش کرده بود، برعکس، میزان زاد و ولد تابع مجموعه پیچیده تری از تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و بویژه در نواحی کم درآمد، نسبتاً بالا مانده است (دیویدر اکاکیس، ۱۳۷۷: ۵۵). افزایش سرعت رشد جمعیت دنیا در دو قرن اخیر، مخصوصاً افزایش جمعیت شهر نشین، موجب تمرکز جمعیت در قطبهای توسعه و رشد شده است. این تمرکز در قرن اخیر مخصوصاً در شهرهای

○ از دید مایکل تودارو، تصمیم به مهاجرت از روستا به شهر، برآیند عملکرد دو متغیر اصلی دفع و جذب است: (۱) تفاوت چشمگیر درآمد در شهر و روستا؛ (۲) احتمال دستیابی به کاری در شهر. به نوشته او، نادرست نخواهد بود اگر فرض کنیم که یک روستایی، در برابر دو گزینه بیکاری در روستا و بیکاری در شهر، بیکاری در شهر را برگزیند؛ زیرا شهر ترسیم کننده آینده روشنتری است.

روستا، در مقابل ثبات یا محدودیت مساحت زمینهای زیر کشت و حجم تولید و منابع روستایی تجلی می کند. لذا جمعیت مازاد بخش کشاورزی که بر اثر زاد و ولد و عدم بازدهی کافی این بخش در روستا پدید می آید، جهت تأمین معیشت و اشتغال به مهاجرت به شهرها اقدام می نماید. «آر تورلوئیس» و «فی-رائیس» به این دیدگاه معتقدند.

۳- نظریه مهاجرت به علل تغییرات ساختی: بنا بر این نظریه، عوامل بوجود آورنده مهاجرت، عوامل تغییر دهنده و دگرگون کننده هستند، که این عوامل از به کار گرفتن شیوه های صنعتی شهری (مانند تغییر شیوه تولید) در هر منطقه ناشی می شوند، بدین معنی که مثلاً به کارگیری ماشین آلات و ادوات و فن آوری بر تر در تولیدات کشاورزی و روستایی، خود به خود بخشی از جمعیت روستایی فعال در این بخش آزاد خواهند شد، و چنانچه زمینه های لازم در جهت اشتغال آنان در فعالیتهای صنایع جنبی کشاورزی و یا مشخصاً در بخش صنعت و خدمات روستایی، اندیشیده نشده باشد، راهی جز مهاجرت برای آنان باقی نخواهد ماند. «مایکل تودارو» و جمعی دیگر به چنین دیدگاهی معتقدند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۷). البته مدلی که تودارو ارائه می دهد چنین است که تصمیم به مهاجرت از روستا به شهر عملکرد دو متغیر اصلی دفع و جذب است که عبارتند از: الف- تفاوت فاحش در آمد شهر و روستا. احتمال دستیابی به نوعی اشتغال در شهر. او می گوید: صحیح خواهد بود اگر فرض کنیم که در برابر امکان انتخاب بیکاری در شهر و روستا، یک روستایی بیکار شهر را برگزیند، چرا که آینده شهر چشم انداز روشنتری نسبت به روستا تصویر می کند (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۰: ۱۲۸).

سوی شهرها سر ازیر شده است و در واقع سرمایه گذاری در روستا برای تأمین آسایش زندگی ساکنان شهرها صورت گرفته و تنها از آب و هوای سالم روستایی و تعریف از سلامت زندگی در کوهستان برای روستاییان باقی مانده است (زنجانی، ۱۳۷۶: ۵۸).

به این ترتیب با افزایش جمعیت روستاها بواسطه بالا بودن نرخ زاد و ولد در آنها و عدم برنامه‌های تنظیم خانواده از یک سو و عدم سرمایه گذاری کافی در بخشهای مختلف اقتصادی- اجتماعی روستاها، به خصوص در امر اشتغال و افزایش درآمد روستاییان، زمینه برای مهاجرت بی‌رویه آنها به سوی شهرها، بیش از پیش مهیا شده است.

عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت

پژوهشهای گسترده‌ای که طی چندین دهه گذشته در زمینه مهاجرت‌های روستایی-شهری انجام شده، همگی بر یک اصل دلالت دارند که اکثر مردم به دلایل اقتصادی جابجایی شوند. وقتی از مردم پرسیده می‌شود چرا جابجایی شوند؟ دلیل اصلی آنان چشم اندازهای بهتر در اقتصاد شهری است. جریانهای مهاجرت میان مناطق به تفاضلهای درآمد میان آن مناطق بستگی دارند و با گذشت زمان که شرایط اقتصادی در مقصد تغییر می‌یابد جریانهای مهاجرت نیز دگرگون می‌شود (لیگبیرت و گاکلر، ۱۳۷۵: ۱۱۰).

راونشتاین، مهاجرین را اشخاصی به شمار می‌آورد که به‌طور عقلایی برای دستیابی به زندگی اقتصادی بهتر برانگیخته می‌شوند. به عقیده او مهاجرین از مناطق فقیر به مناطقی که فرصتهای بیشتری به آنها دهد، نقل مکان می‌کنند. انتخاب مقصد با توجه به مسافت و مهاجرت از شهرها و روستاهای کوچکتر با تناسب فاصله نسبت به شهرهای بزرگتر، پی‌درپی صورت می‌گیرد (فنیلدی، ۱۳۷۳: ۳۰).

○ کارکرد باوران بر آنند که با برهم خوردن تعادل در یک نظام، مهاجرت به گونه‌ی عنصری الزامی برای برقراری تعادل در جامعه به کار می‌افتد. بدین سان، مهاجرت از یک سو به مکانیزم تطابق فرد با تغییرات پدید آمده بدل می‌گردد و از سوی دیگر، تعادل از دست رفته را به جامعه باز می‌گرداند.

بزرگ که محل انباشت ثروت و سرمایه است اتفاق افتاده است؛ به طوری که در سال ۱۹۹۹ سه میلیارد نفر از مردم دنیا در شهرها و بیش از یک میلیارد نفر آنها در ۳۵۲ کلانشهر جهان زندگی می‌کردند. بر اساس پیش‌بینی‌های انجام شده در سال ۲۰۱۵ حدود ۵۵۸ کلانشهر در جهان وجود خواهد داشت و افزایش تعداد و جمعیت کلانشهرها در کشورهای در حال توسعه و روند گسترده‌تری خواهد یافت (داو پور، ۱۳۸۰: ۳۵).

اگر فشارهای جمعیتی در کار نباشد به رغم تمامی شکافهای موجود بین شهر و روستا، هیچ تضمینی برای مهاجرت روستاییان وجود ندارد و در صورت مهاجرت بخشی از روستاییان، همه مهاجرت نمی‌کنند، در حالیکه اثر برآیند نیروهای دافعه بر تمامی روستاییان یکسان است. روند مهاجرت روستایی به اعتبار دو مسئله وجود نیروی مازاد در بخش کشاورزی و افزایش جمعیت با نرخ رشد بالا ناگزیر با نرخ فزاینده‌ای به‌طور پیوسته ادامه خواهد یافت (زاهدی، ۱۳۶۶: ۴۰).

مطالعاتی که در سراسر دنیا انجام گرفته، نشان می‌دهد که جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله بیشترین مهاجرین را تشکیل می‌دهند، زیرا آنها درگیر خانواده‌های بزرگ و مسئولیتهای ناشی از آن نیستند؛ مهمتر از این، آنها می‌توانند در بازار کار شده و بهترین سرمایه گذاری را برای وقت و انرژی شان در مناطق شهری که فرصتهای بیشتر و دستمزدها بالاتر است، بنمایند (فنیلدی، ۱۳۷۳: ۴۰).

معمولاً منشأ اصلی مهاجرتهای داخلی در کشورهای مختلف، بالا بودن میزان رشد جمعیت، مازاد نیروی فعال اقتصادی و عدم وجود عدالت اجتماعی و یا ضعف آن در جامعه است. بطوریکه جمعیت کشور ما از سال ۱۳۳۵ به بعد بار شد سالانه‌ای متجاوز از ۳ درصد و به افزایش بوده است. بر پایه ۵۰ میلیون نفر جمعیت در سال ۶۵ و حداقل ۳ درصد سالانه، اضافه جمعیت کشور بالغ بر ۱/۵ میلیون نفر در سال می‌شود که حدود نیمی از این افزایش مربوط به نقاط روستایی بوده است. با توجه به محدودیت فعالیت‌های زراعی به علت محدودیت زمین قابل استفاده در کشاورزی، محدودیت آب و امکانات بهره‌برداری از زمین، هر نوع تلاشی برای ایجاد مشاغل در مقیاس وسیعتری در این مناطق به سرمایه گذاری و برنامه‌ریزی‌های درازمدت بخش عمومی در سطح روستا بستگی می‌یابد. لکن تجزیه و تحلیل برنامه‌های عمرانی کشور و حدود سرمایه گذاریها نشان می‌دهد که اولاً نسبت این نوع سرمایه گذاریها و فعالیتهای روستا بسیار ناچیز بوده است و ثانیاً قسمت اعظمی از بازده سرمایه گذاریهای روستایی نیز به

تودار و پیشگام کسانی بوده است که معتقدند مهاجرت انگیزه‌های اقتصادی خاصی دارد و انگیزه‌های اقتصادی را بر حسب تفاوت‌های مشاهده شده در آمد روستایی شهری با فرض اینکه مهاجرین در جستجوی ماکزیمم درآمد هستند، تعریف می‌کند (همان منبع: ۳۱). اصولاً فقر روستاییان که انگیزه اصلی مهاجرت آنهاست در نتیجه نابرابری توزیع منابع اقتصادی (آب، زمین) در روستا و همچنین در نتیجه نابرابری شهر و روستا وجود آمده است. در شرایطی که تعادل اقتصادی بین شهر و روستا برقرار باشد، روستا به تولید کالاهای کشاورزی می‌پردازد و مزایای تولید خود را در مقابل تولیدات شهری که مورد نیاز است در اختیار شهر می‌گذارد؛ در صورت وجود چنین تعادلی، تفاوت درآمد و قیمت کالاهای شهری و روستایی با آنچه ضریب جابجایی کالا و خدمات بین شهر و روستا نامیده می‌شود، زیاد نیست و خانواده روستایی نسبت به خانواده شهری در وضع نامتعادلی قرار نمی‌گیرد. اما چنین رابطه‌ای بین شهر و روستا، مدت‌هاست که وجود ندارد، تفاوت بین درآمد شهر و روستا بسیار زیاد است و نابرابری درآمد در چند دهه اخیر رو به افزایش بوده است (له‌سائی زاده، ۱۳۶۸: ۲۶۰). به همین نسبت نیز مهاجر تهای روستا شهری نیز رو به گسترش بوده است.

عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مهاجرت

روستا و شهر کوچک قلمروهای انقیاد و اجبارند، جاهایی هستند که فرد در استیلا قیود خانوادگی، همسایگی و گروهی قرار دارد. بدیهی است که وقتی چنین اجبارهایی در مورد امریکا و اروپا صادق باشد، طبعاً در مورد کشورهای جهان

○ بررسی‌هایی که در سراسر جهان انجام گرفته است نشان می‌دهد که بیشتر مهاجران از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله‌اند؛ زیرا درگیر خانواده‌های بزرگ و مسئولیتهای برآمده از آن نیستند؛ مهمتر از آن، می‌توانند وارد بازار کار شوند و از وقت و نیروی خود در مناطق شهری که عرضه کننده فرصتهای بیشتر و دستمزدهای بالاتر است، بهتر بهره‌گیرند.

قیمت کالاهای کشاورزی نسبت به کالاهایی که روستایی باید از شهر تأمین کند، بسیار نازل تر است، بدین ترتیب بواسطه نامتعادل بودن رابطه مبادله بین کالاهای شهری و کالاهای روستایی، خانوار روستایی در وضع بسیار فقیرانه‌ای قرار می‌گیرد و این خود یک عامل مهم در ایجاد فقر است. از سوی دیگر قیمت کالاهای صنعتی به نسبت محصولات کشاورزی در طول یک سال، نوسانات بسیار زیادی داشته و ممکن است حتی قیمت این محصولات دو تا سه برابر در طول یک سال در نوسان بوده و این عامل بر کاهش درآمد روستاییان بسیار مؤثر می‌باشد و زمینه مهاجرت آنها را فراهم می‌نماید. مهاجرین در همه‌جا برای درآمد بیشتر از جایی به جای دیگر نقل مکان می‌کنند، بررسی‌های متعدد نشان داده که عوامل اقتصادی، علت اصلی مهاجر تهاست، انگیزه‌های اقتصادی در دوز مینه جستجوی کار و کسب درآمد بیشتر خلاصه می‌شود، بیکاری و کم کاری در بخش کشاورزی عوامل مهمی است که مهاجرین را به طرف تقاطعی که فرصتهای بیشتری برای اشتغال وجود دارد، سوق می‌دهد (فیندلی، ۱۳۷۳: ۳۵). به عبارت دیگر افزایش جمعیت روستا و پیشرفت تکنولوژی و جایگزینی سرمایه به جای کار و عدم وجود اشتغال کافی در زمینه‌های مختلف موجب افزایش کم کاری شده و زمینه را برای

○ با بررسی برنامه‌های عمرانی کشور و چندو چون سرمایه گذار یها روشن می شود که نه تنها این گونه سرمایه گذار یها در روستاها بسیار ناچیز بوده، بلکه بخش بزرگی از بازده سرمایه گذار یهای روستایی نیز به شهرها سرازیر شده است. به سخن دیگر، در واقع سرمایه گذاری در روستا برای تأمین آسایش زندگی شهرنشینان بوده و تنها چیزی که برای روستاییان مانده، آب و هوای پاک و تعریفی است که از سلامت زندگی در آنجا می شود.

جستجوی در آمد بیشتر از جمله مهمترین علل مهاجرت بوده است لیکن عوامل دیگر نیز بی تأثیر نبوده و در حقیقت بعضی از عوامل نیز در پی آمد علل اقتصادی بوجود آمده است.

علل مهاجرت در کشورهای توسعه یافته

و در حال توسعه

مهاجرت امروزه برای کشورهای جهان سوم، بویژه در بعد روستا به شهر مسئله آفرین و مشکل زا شده است. در واقع مهاجرتی که خود بر اثر بسیاری از عوامل به وجود می آید، علتی می شود تا به عدم تعادل بیشتر در سطح مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی يك کشور كمك كند. کشورهای جهان سوم قادر به ایجاد تعادل اشتغال و افزایش عرضه کار و تقاضای روز افزون نیروهای انسانی خواهان کار نیستند. جمعیتی که از مناطق روستایی به مناطق شهری سرازیر می شود در حقیقت به گسیختگی در هر دو منطقه جذب و دفع نیروی مهاجر دامن می زند. خالی شدن مناطق مهاجر فرست از نیروی کار و تمرکز نامتناسب آنها در شهرها از مهمترین مسائل به وجود آمده توسط مهاجرت بی رویه است (مشهدی زاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۹۸).

در واقع در کشورهای در حال توسعه، رشد جمعیت و وسعت یابی ابعاد خانواده های روستایی از عوامل مهم مهاجرت جوانان روستایی به شهرهاست. خانواده های روستایی به سبب کاهش میزان مرگ و میر کودکان، فرزندان بیشتری دارند و به دلیل محدود بودن میزان آب و خاک و روبرو شدن با اضافه جمعیت در روستاها، خانواده هانی توانند مخارج خود را تأمین

سوم بیشتر مصداق خواهد داشت. بر خلاف روستاها و شهرهای کوچک، شهر بزرگ فضای آزادی به شمار می آید. فرد در این فضا کم و بیش ناشناس باقی می ماند و جاذبه سنتها در آن چندان احساس نمی شود (برنارشاریه، ۱۳۷۳: ۶۴). با توجه به این مهم، به طور کلی عوامل اجتماعی و فرهنگی که منجر به مهاجرت روستاییان به شهرها می شوند عبارتند از:

۱- عدم وجود امکان ادامه تحصیل در مناطق روستایی به خصوص در روستاهای کوچک و دور افتاده.

۲- متناسب نبودن رشته های تحصیلی تدریس شده در مناطق روستایی با فعالیت های کشاورزی و دامداری روستاییان و در نتیجه رها کردن روستا به دلیل عدم وجود شغل مناسب با تحصیلات در روستا.

۳- کمبود امکانات و تسهیلات بهداشتی و درمانی در روستا که دستیابی به آن در شهر به علت دوری راه، مشکل است.

۴- گرایش بیش از پیش خانواده ها از شکل گسترده به هسته ای که مستلزم استقلال نسبی اقتصادی زن و شوهر جوان است و نداشتن زمین و آب موجب مهاجرت این قشر می شود.

۵- میل به تغییر و ترقی در زندگی به خصوص در قلمرو شغلی در قشر جوان که فعالتر و مستعدتر می باشند و عدم وجود چنین شرایطی در روستاها.

۶- تمایل به داشتن شغلی تمام وقت، ثابت و درآمدی منظم و عدم وجود آن در روستا.

۷- وجود روابط خویشاوندی بین افراد ساکن در روستاها با مهاجرین در شهرهای بزرگ و در نتیجه انتقال تجربیات مهاجرین از شرایط اجتماعی، اقتصادی زندگی در شهر به ساکنین روستاها (جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۷: ۱۹).

۸- وجود مراکز آموزشی متنوع و مختلف در شهرها که عاملی است در آشنایی جوانان با زندگی شهری و جذب آنها به این مناطق.

۹- وجود امکانات تفریحی، فرهنگی بیشتر در شهرهای بزرگ از جمله پارک، سینما، نمایشگاه، شهر بازی، کتابخانه و غیره.

۱۰- امکان آزادی عمل بیشتر در زمینه کارهای خلاف به خاطر عدم آشنایی افراد با هم دیگر و امکان انجام فعالیت هایی که علی رغم مفید بودن، بسیاری از افراد حاضر به انجام آن در حضور آشنایان خود نمی باشند (مانند کارگری و مشاغل سطح پایین) (عطاری، ۱۳۷۰: ۲۱). البته سهم تأثیر عوامل فوق در مهاجرت یکسان نیست، بلکه تحقیقات انجام شده، نشان می دهد سهم عوامل اقتصادی مانند جستجوی کار یا کار بهتر،

اکثر مناطق شهری کشورهای کمتر توسعه یافته، میزان دارایی مالی مهاجرین مناطق روستایی اهمیت دارد، زیرا افرادی که منابع مالی بیشتری دارند می توانند مدت بیشتری در شهر زندگی کنند و در جستجوی شغل با جاذبه شهری باشند. به طور خلاصه به نظر می رسد که مهاجرین از تمام قشرهای اجتماعی و اقتصادی هستند و اگر اکثریت عظیمی از آنها فقیرند فقط به این دلیل است که اکثریت ساکنین روستاها فقیرند. در کشورهای توسعه یافته، علامت مشخصه توسعه اقتصادی نشان تخصیص مجدد تدریجی نیروی کار کشاورزی به صنایع از طریق مهاجرت از روستا به شهر، هم داخلی و هم بین المللی بود، بنابراین شهرنشینی و صنعتی شدن مترادف هم شدند (تودارو، ۱۳۶۶: ۳۹۲). شهرهای کشورهای در حال توسعه در چند دهه اخیر شاهد جریانهایی گسترده و ناگزیر مهاجرتهای روستایی به مقصد نقاط شهری، تحت تأثیر گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد شهری و کاهش امکان اشتغال در نقاط روستایی و در برخی موارد از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگتر با هدف دستیابی به فرصتهای مطلوب تر اقتصادی-اجتماعی بوده است. از سوی دیگر کلانشهرهای این گروه از کشورهای با بهره‌برداری از افزایش قیمت زمین، مسکن و خدمات شهری با سرریز اقتصادی-اجتماعی گروهای کم درآمد ساکن در این نقاط به پیرامون خود مواجه بوده‌اند. از همین رو اگر در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی فقر چهره‌ای روستایی داشت با وقوع این تحولات به تدریج فقر سیمای شهری به خود گرفته است. بنابراین برآوردهای انجام شده در دوره زمانی ۱۹۸۵-۱۹۷۵، در کشورهای در حال توسعه جمعیت اقشار کم درآمد روستایی و شهری به ترتیب، ۱۱ و ۷۳ درصد افزوده شده است (جوهری پور، ۱۳۸۱: ۸۳).

علل مهاجرت در ایران

در ایران پاتوجه به محدودیت اراضی قابل کشت و بالا بودن سطح باروری، جامعه روستایی با افزایش بار جمعیتی قابل ملاحظه‌ای روبرو است و باید خود را با آن تطبیق دهد، این تطبیق از دو جهت حائز اهمیت است یکی از لحاظ تولید مواد غذایی برای جمعیت کشور و یکی از لحاظ وجود آوردن شغل برای جمعیتی که بطور روزافزون وارد بازار کار می شوند (لهسانی زاده، ۱۳۶۸: ۲۵۵). بنابراین در تنگنای محدودیت منابع زمین و آب و رشد سریع جمعیت و کاهش اشتغال در نتیجه کاربرد تکنولوژی جدید، جامعه روستایی مجبور به استفاده از مکانیزم‌های دموگرافیک برای تطابق وضع خود می باشد. در حالیکه در کشورهای صنعتی کنونی کاهش باروری مکانیزم عمده‌ای در ارتباط با تطابق جامعه با محدودیت بوده است، اما

○ امروزه در جهان سوم، مهاجرت، بویژه از روستا به شهر، مسئله‌ای است در دسرفرین. در واقع، مهاجرتی که در سایه بسیاری عوامل پدید می آید، خود علتی می شود که تعادل در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را پیش از پیش برهم زند. جمعیتی که از مناطق روستایی به مناطق شهری سرانیر می شود، در واقع به گسیختگی در هر دو منطقه جذب و دفع نیروی مهاجر دامن می زند. خالی شدن مناطق مهاجر فرست از نیروی کار و تمرکز نامناسب آن در شهرها، از مهمترین پیامدهای مهاجرت افسار گسیخته است.

کنند؛ این روند زمینه مهاجرت به شهرهای بزرگ را فراهم می سازد، لذا با توجه به نیروی کار موجود در روستاها و عدم دسترسی به فرصتهای اشتغال، عده‌ای از جوانان روستایی ناگزیر به شهرها مهاجرت می کنند. در حالیکه در کشورهای توسعه یافته کاهش میزان مرگ و میر و گند شدن روند رشد جمعیت به همراه کاهش زاد و ولد سنتی، گرایش به میزان زاد و ولد متوسط صورت گرفته است. مثلاً در کشور بریتانیا رشد جمعیت با مهاجرت به مستعمرات آن همزمان بوده است و بعد از آن نیز بالا بودن تعداد افراد طبقه متوسط شهری نسبت به کل جمعیت، باعث کاهش زاد و ولد در این طبقه شده است (شکوئی، ۱۳۷۳: ۱۰۴).

در کشورهای پیشرفته صنعتی، مکانیزه شدن کشاورزی و به تبع آن آزاد شدن نیروی کار در روستاها از یک سو و گسترش و توسعه قطبهای صنعتی و خدمات در شهرها و افزایش نیاز به نیروی انسانی در این بخشها، اساسی ترین عامل مهاجرت از روستا به شهر محسوب می شود. ولی در ممالک عقب نگهداشته شده، اغلب نابودی و اضمحلال کشاورزی محلی و سنتی به همراهی روستاها در اقتصاد و روستاها در اثر یورش نابود کننده فرهنگ و اقتصاد سلطه گر و مصرفی از جمله بارزترین عوامل حرکت به طرف شهرها به حساب می آید (حسین زاده دلیر، ۱۳۶۱: ۱). امروزه با ظهور بخش صنعتی نوین و تثبیت شده در

باعث به هم خوردن ساخت شغلی، بافت جمعیت فعال و مالا فعالیت‌های کم‌بهره را نیز بوجود آورده است (همان منبع: ۲۶۰). در واقع مهاجرتهای روستایی در ایران به علل گوناگون اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است که مهم‌ترین آن افزایش جمعیت کشور از یکسو و نضج و بسط روابط سرمایه‌داری در شهر و سپس در روستا از سوی دیگر می‌باشد (اعتماد، ۱۳۶۳: ۷۵). به‌طور کلی مهاجرت روستا به شهر در ایران پس از اصلاحات ارضی عمدتاً ناشی از عوامل تغییر دهنده بوده است، یعنی عواملی که موجب دگرگونی ساخت تولید روستایی از یکسو و تشدید شکاف بین دستمزود در نتیجه بین سطح زندگی در شهر و روستا گردید. به عبارت دیگر مهاجرت بیشتر ناشی از توسعه اقتصادی همراه با رشد مناسبات سرمایه‌داری در سطح شهر و روستا بود. کما اینکه اصلاحات ارضی خود به صورت زمینه‌لازمی در جهت اصلاحات کلی و توسعه اقتصادی یا گذار سریع به سرمایه‌داری تلقی می‌گردید (همان

○ مهاجرت و تحرک مکانی جمعیت که در اصل بسته به ماهیت و علل پدیدآورنده آن، می‌تواند مخرب یا سازنده باشد، در ایران به گونه مخرب عمل کرده است؛ یعنی گذشته از اینکه نتوانسته است تعادل منطقی میان نیروی کار اضافی در مناطق مهاجر فرست و مهاجر پذیر پدید آورد، رفته رفته به نابرابری در زمینه توزیع نیروی انسانی فعال در مناطق جغرافیایی دامن زده است. این وضع، نبود تعادل در بخشهای اقتصادی را نیز بیشتر کرده است زیرا برنامه‌ها در زمینه رشد و توسعه اقتصادی نتوانسته است به رسالت حقیقی خود یعنی ایجاد تعادل میان نقاط مختلف کشور در پیوند با امکانات بالقوه آنها و تعادل میان بخشهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی و انسانی آنها جامعه عمل پيوشاند و به تحقق شعار عدالت اجتماعی نزدیکتر گردد.

جامعه روستایی ما چنین فرصتی نداشته و تحولات کاهش مرگ و میر چنان سریع بوده است که امکان وجود آوردن شرایط روستایی، فرهنگی و تکنولوژیکی برای کاهش باروری بوجود نیامده است؛ در مقابل مکانیزم مهاجرت نقش مهمی را در تطبیق جامعه روستایی با تنگنای رشد جمعیت و محدودیت منابع بازی کرده است. از سالهای دهه ۱۳۳۰ و با شدت بیشتر در دهه‌های بعدی، مهاجرت به خصوص مهاجرت مردان جوان ۲۰ تا ۳۰ ساله از روستا به شهر رو به افزایش بوده است (همان منبع: ۳۵۷).

وجود اختلافات بالقوه طبیعی در نواحی مختلف ایران بویژه خشونت‌های اقلیمی و شرایط نامساعد فیزیوگرافی از یک طرف و نارسائیهای ناشی از برنامه‌ریزی‌های نسنجیده و منطقی در راستای اعمال سیاست متمرکز از سوی دیگر، منتهی به تشدید اختلافات ناحیه‌ای در طول زمان گردیده و باعث از بین رفتن نظم و انسجام منطقی بین عوامل انسانی و عوامل طبیعی شده است و بهره‌وری پول و سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف را دستخوش تغییر و تحول ساخته است، که مالا به دنبال خود پی آمدهایی از قبیل عدم بهره‌برداریهای معقول از منابع طبیعی، توزیع نابرابر نیروی انسانی ماهر و متخصصین کادر اداری و مدیریت محلی، توزیع نابرابر امکانات و تجهیزات آموزشی و فرهنگی، بهداشتی و خدماتی را در نواحی مختلف به دنبال داشته است و بدون شک مناطق و نواحی مساعد طبیعی مورد توجه قرار گرفته و مضاف بر آن بخشهای صنعت و خدمات توانسته انداز امکانات مطلوب به خوبی استفاده کنند، که این امر به ضرر بخش کشاورزی سنتی و خرده‌پا و نواحی نسبتاً نامساعد از نظر طبیعی و شاید از نظر دارا بودن ابعاد سیاسی انجامیده است. نمود عینی آن تثبیت ناخواسته جمعیت از طریق مهاجرتهای بی‌رویه روستاییان به شهرها و تخلیه جمعیت شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ بوده است (جوان، ۱۳۶۷: ۳۱۱). در واقع مهاجرتهای داخلی ایران نتیجه توزیع نابرابر جمعیت در رابطه با امکانات طبیعی، عدم توزیع متناسب اعتبارات عمرانی و سرمایه گذاری‌های ملی در بهره‌برداري از امکانات طبیعی می‌باشد. فرایند این سه عامل باعث گردیده است که اجباراً بعضی از مناطق جغرافیایی نیروی کار اضافی بالفعل خود را به مناطق دیگری که تقاضا به نیروی اضافی وجود داشته است انتقال دهد. این انتقال و جابجایی جمعیت بدون برنامه بوده و نه تنها نیروهای تولیدی را در سرزمینهای مهاجر فرست تقلیل داده و منتهی به پائین آمدن تولیدات در آن مناطق شده است، بلکه بدون توجه به نیاز مندیهای کمی و کیفی مناطق مهاجر پذیر، جمعیت در حال تحرک مزبور تخلیه شده و

روستاهاگر دیده‌است، مسلماً عدم اجرای برنامه‌های توسعه و عمران روستایی که می‌بایست زودتر به موقع اجرا گذاشته می‌شد، خود در این بی‌تعادلی و پاشیدگی زندگی روستایی نقش اساسی داشته‌است. اتخاذ و اعلام سیاست‌هایی مانند تأمین مسکن برای محرومین و هجوم روستاییان به امید دریافت چنین مزایایی از یک طرف و نبود سیاست‌هایی مشخص در زمینه بخش‌های اقتصادی مانند کشاورزی، از دیگر عواملی است که باعث مهاجرت روستاییان به شهرها و تمرکزگرایی در شهرهای بزرگ گردید. در حقیقت مهاجرت بی‌رویه، نتیجه دور تسلسلی از اجرای سیاست‌های غلط است که در بسیاری از موارد اتخاذ این سیاست‌های غلط نیز خود ناشی از وجود مهاجرین در یک منطقه و کاهش جمعیت در منطقه دیگر است (مشهدی زاده‌دهاقانی، ۱۳۷۴: ۱۶۷).

همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، طی دوره‌ای چهل ساله (۱۳۳۵-۷۵) کل جمعیت ایران با نرخ رشد متوسط سالانه ۲/۹ درصد شد که در حالی که در همین دوره نرخ متوسط رشد جمعیت روستایی فقط ۱/۴ درصد و شهری ۴/۷ درصد بوده‌است. بنابراین به رغم الگوی کندتر رشد طبیعی جمعیت در شهرها، رشد جمعیت شهری طی دوره مذکور بیش از ۱/۶ برابر میانگین رشد سالانه جمعیت کشور و بیش از سه برابر رشد جمعیت روستایی بوده‌است. اگر مهاجرین خارجی را در سال ۱۳۷۵ تعداد ۲ میلیون نفر فرض کنیم، متوسط نرخ رشد طبیعی جمعیت کشور در طول دوره سالانه ۲/۸ درصد خواهد بود. بدین ترتیب حتی اگر فرض کنیم که نرخ رشد طبیعی جمعیت شهری نیز بارش طبیعی کشور یکسان باشد در این صورت نرخ خالص مهاجرت روستا به شهر در دوره چهل ساله مذکور ۱/۹ درصد خواهد بود. بدیهی است که اگر نرخ رشد طبیعی جمعیت شهری کشور را پایین‌تر از نرخ رشد طبیعی کل کشور فرض کنیم (که در واقع نیز الگو در همه جای دنیا همین واقعیت را نشان می‌دهد) در آن صورت حجم خالص مهاجرت منفی روستا به شهر باز هم بیشتر خواهد بود. نکته مهمی که در دو آمارگیری و سرشماری اخیر ایران (آمار جاری جمعیت ۱۳۷۰ و سرشماری عمومی ۱۳۷۵) نمایان شده‌است، این است که تعداد مطلق جمعیت روستایی کشور نیز در دوره پنج ساله ۷۵-۷۰ بارش منفی (۶۵٪ درصد) در حال کاهش است. به سخن دیگر، روستاهای کشور دیگر حتی قادر به نگهداشت جمعیت فعلی خود (صرف نظر از نگهداشت افزایش طبیعی سالانه) نیز نیستند (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۹). لذا مهاجرت و تحرك مکانی جمعیت که اساساً بر حسب ماهیت و علل وجود آورنده آن می‌تواند

منبع: ۱۰۰). از طرفی مهاجرتهای داخلی ایران تحت تأثیر اختلاف شدید بازده‌های کار در نواحی شهری و روستایی و میان بخش‌های مختلف اقتصادی یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات در نواحی مختلف جغرافیایی و نیز کم‌کاری در بخش کشاورزی و کاهش اشتغال نیروی انسانی در روستاهاست که نتیجه رشد بی‌رویه جمعیت، تغییر قیمت‌ها، استفاده از تکنولوژی سرمایه‌بر و نامناسب در روستاها برای بالا بردن قابلیت تولید می‌باشد. عوامل فوق‌الذکر و نتایج مترتب بر آن باعث سرازیر شدن جمعیت روستایی به شهرها، یا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و یا از بخش کشاورزی به بخش‌های صنعت و خدمات متمرکز شده در شهرها گردیده‌است (جوان، ۱۳۸۰: ۳۶۲). لذا می‌توان گفت مهاجرت به شهرها در ایران اجتناب‌ناپذیر است و بنا بر میراث توسعه فضایی دوگانه، تفاوت‌های طبیعی و تنگناهای زیست محیطی و با چشم‌انداز تشدید آن در اثر جهانی شدن اقتصاد چنین استنتاج می‌شود که جریانهای مهاجرتی کنونی کشور، حداقل برای مدت مدیدی ادامه خواهند داشت (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۱). در مجموع باید گفت که شرایط اجتماعی، فرهنگی و تحولات اقتصادی و سیاسی مملکت بویژه در نیم قرن اخیر موجب به هم ریختن نظام سلسله‌مراتبی تولید از مزارع و روستاها و عرضه آنها در نقاط شهری شده‌است، بطوریکه توجه به شهرهای بزرگ و تمرکز شدید امکانات و بی‌اعتنایی به مراکز روستا نشین کشور، موجب ایجاد فاصله و شکاف عمیق اقتصادی بین زندگی شهرنشینی و روستا نشینی و سرانجام مهاجرت‌های بی‌رویه از

○ فشار جمعیتی که جویای کار و خواهان خدمات و رفاه است، نابسامانی و عقب‌ماندگی را به بافت اقتصادی ناسالم و وابسته‌ای که با سیل مهاجرت رو به رو شده است تحمیل می‌کند: از یک سو روستاها بسیاری از نیروهای تولیدی خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر شهرها توان جذب هزاران انسان جویای کار را ندارند. این روند به پیدایش بیکاری پنهان، اشتغال کاذب و بیکاری آشکار می‌انجامد.

مدیریتی شهرها هستند، از مهاجرت روستاییان به شهر هانه تنها ضرری نصیب شان نمی‌گردد بلکه از بیشترین منافع آن نیز بهره‌مندی شوند. ظهور و پیدایش سریع نواحی مرفه‌نشین در محله‌هایی با زرق و برق تمام در شهرهایی که در اثر مهاجرت روستاییان به شهرها به سرعت رشد می‌کنند، گویای همین واقعیت است. جالب است که بیشترین انتقادهای نیز از جانب همین گروه‌های ذینفع به مهاجرین روستایی وارد می‌شود. مزیت دیگر مهاجرت روستا به شهرها را باید در منافع عام‌تر از منظر و منافع محدود شهری دید. در واقع این منافع، منافع ملی است که در تمرکز بیشتر جمعیت در شهرها دست‌یافتنی است. روستاییان مهاجر در درون کوره تمدن شهری به درکی بالاتر از حقوق شهروندی و دنیای متحول دست می‌یابند که در چارچوب زندگی منفعل روستایی دست‌نیافتنی است یا به کندی تحقق می‌پذیرد. به عبارت دیگر در تجمع و تمرکز جمعیت پراکنده روستایی (از نظر جغرافیایی) در کانونهای معین شهری، امکان دسترسی به خدمات در مقیاس ملی، منطقه‌ای و محلی را آسانتر می‌سازد (عظیمی، ۱۳۸۱: ۲۶۰).

همچنین استفاده از نیروهای فعال و جوان مهاجر بدون هیچگونه سرمایه‌گذاری قبلی و به عبارت دیگر بهره‌برداری رایگان از سرمایه‌گذاران، به تربیت نیروی انسانی روستایی؛ و تأمین نیروهای مورد نیاز تولیدی به خصوص نیروهای غیرماهر و در مواردی نیروهای ماهر (همان منبع: ۲۳).

در واقع مهاجران روستایی با توزیع مجدد جمعیت، اقتصاد ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که گاهی این توزیع مجدد جمعیت به نفع کشور و زمانی نیز به زیان آن پایان می‌گیرد و در صورت مهارت داشتن مهاجران، این روندها به نفع جامعه شهری است در غیر این صورت شهر به دلیل سطح نازل مهارتها و تحصیلات مهاجران، به شکل‌های مختلف تحت فشار قرار می‌گیرد، شهر مهاجران روستایی را می‌پذیرد و به سبب نیاز، آنها را در شغل‌های غیر حرفه‌ای به کار می‌گیرد. آموزش مهاجران در شغل‌های غیر حرفه‌ای هیچگونه هزینه‌ای برای شهر ندارد و با وجود این، شتاب مهاجرت‌های روستایی به شهرها، باعث توسعه شهری به صورت نسجیده و ناموزون می‌شود و نیاز به خدمات شهری افزایش می‌یابد (شکوئی، ۱۳۷۳: ۱۰۶ و ۱۰۵).

گرچه در دهه‌های گذشته به خصوص دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی، تصور می‌شد که مهاجرت داخلی فرایندی طبیعی است که کارگران اضافی به تدریج از بخش روستایی خارج می‌شوند تا نیروی کار مورد نیاز برای رشد صنعتی شهری را

مخرب یا سازنده باشد؛ در ایران با توجه به مکانیسم آن به صورت مخرب عمل کرده است. یعنی علاوه بر اینکه نتوانسته است تعادل منطقی میان نیروی کار اضافی در مناطق مهاجرپذیر و مهاجر فرست ایجاد نماید، بلکه خود به مرور باعث تشدید عدم تعادل در جهت توزیع نیروی انسانی فعال در مناطق جغرافیایی گردیده است؛ این امر، عدم تعادل موجود در بخشهای اقتصادی را نیز تشدید کرده است، چرا که برنامهریزی‌های رشد و توسعه اقتصادی نتوانسته است به رسالت حقیقی خود یعنی ایجاد تعادل میان نقاط مختلف جغرافیایی کشور در رابطه با امکانات بالقوه آنها و تعادل بین بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و انسانی آنها جامه عمل بپوشاند و به تحقق شعار عدالت اجتماعی نزدیکتر گردد (جوان، ۱۳۸۰: ۳۷۸).

نتیجه‌گیری و تحلیل آثار و پیامدهای مهاجرت و شهرنشینی

در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا مهاجرت به شهرها آسیب می‌رساند و آن گونه که بسیار گفته شده، عامل مهم بحران و نابسامانی شهری، معلول مهاجرت روستاییان به شهرهاست؟ پاسخ ما به این پرسش آری یا نه نیست زیرا اگر این پدیده از منظرهای گوناگون مورد بررسی قرار گیرد برای شهر و ساکنان آن هم واجد مزایا و هم مضار است. پس بهتر است ابتدا به این پرسش پاسخ دهیم که مهاجرت روستا به شهر در بردارنده چه مزایایی است؟ مهمترین مزیت مهاجرت روستاییان به شهرها در کشورها در حال توسعه که اغلب نادیده گرفته شده است، عرضه نیروی کار ارزان برای بنگاههای تولیدی و خدماتی شهرهاست. به برکت این نیروی کار ارزان، صاحبان این بنگاهها (چه دولتی و چه خصوصی) به ارزش افزوده کلانی دست می‌یابند که به یمن دستیابی به این ارزش افزوده، انباشت سرمایه در کانونهای شهری دوام و قوام بیشتری می‌یابد. بنگاههای تولیدی و خدماتی نیز در درون و حاشیه شهرها به برکت انباشت روز افزون سرمایه در شهرها، توسعه بیشتری پیدا می‌کنند، توسعه بیشتر این بنگاهها به این مفهوم است که باز هم نیروی کار ارزان بیشتری از روستاها جذب می‌شود و مجدداً در اثر باز تولید گسترده، انباشت بیشتری نصیب صاحبان این بنگاهها می‌شود. همچنین افزایش جمعیت شهرها در اثر مهاجرت روستاییان و تمرکز جمعیت آنها در درون و حاشیه شهرها به افزایش تقاضا و گسترش بازار متمرکز نیز کمک می‌کند که این نیز خود به گسترش بنگاههای تولیدی و خدماتی می‌انجامد. بنابراین لااقل گروههایی در درون شهرها که عموماً گروههای بانفوذی در ساخت اجتماعی و اقتصادی و حتی

از: رویش هرزه‌ای کنترل نشده شهری، تراکم رفت و آمد، آلودگی، بیکاری، جنایت، نواجماعات زاغه‌نشین، عدم توانایی در عرضه خدمات و به‌طور کلی ترس از اینکه سطح زندگی به‌وسیله رشد بی‌کنترل، ر‌کود کند (فیندلی، ۱۳۷۳: ۲۳۷). اینک مهمترین پیامدهای مهاجرتی و آثار فضایی آن بر شهرها را به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

۱- توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشینی مهمترین اثر مهاجرت، توسعه شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشینی می‌باشد. جمعیت شهرهای بیش از ۲۰۰۰۰ نفر کشورهای در حال توسعه بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، سالانه ۴/۶ درصد رشد کرده در حالیکه در این کشورها، مناطق روستایی سالانه ۱/۸ درصد رشد داشته‌اند. همچنین جمعیت شهرهای کشورهای در حال توسعه بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ حدود ۲/۵ برابر جمعیت شهرهای کشورهای توسعه یافته افزایش داشته است (فیندلی، ۱۳۷۳: ۸). افزایش جمعیت شهرنشینی و توسعه شهرنشینی بدون برنامه خودپیامدهای منفی بسیار زیادی را از جمله پیدایش و رشد حاشیه‌نشینی نیز به دنبال خواهد داشت. به این ترتیب مهاجرت روستاییان باعث جوانی جمعیت‌های حاشیه شهری می‌شود، زیرا اگر وههای مهاجر از اکثریت جوان تشکیل می‌شود، هنگامی که عزیمت‌های می‌شود هر م‌سنی مهاجران از گروه‌های سنی ۲۰ تا ۳۰ تشکیل می‌شود. تأثیر ثانوی این مهاجرت جوان، قابل ملاحظه است زیرا اکودکانشان در محل جدیدی به دنیا خواهند آمد که غالباً مسکن جمعی یا منزلی در خارج شهر است، حاشیه‌نشینیها ساختارهای جمعیتی بی‌سابقه‌ای پیدامی‌کنند، در حاشیه‌های شهری شمار نوجوانان و جوانان زیاد است و افرادی تقریباً وجود ندارد (ژان پیتنه، ۱۳۶۹: ۶۸). در عین حال رشد بی‌رویه جمعیت و گسترش سریع شهرنشینی موجب افزایش نسبت مسکن ناسالم، تراکم بیش از حد نفرات در واحدمسکونی، بالا رفتن تنش‌ها و بر خوردهای اجتماعی و انواع آلودگیهای زیست محیطی گردیده است (بیک محمدی، ۱۳۸۰: ۴۱).

عملاً آنچه که اول از همه در پی ورود مهاجرین سرزده تازه وارد به شهرهای بزرگ کشور پیش آمده می‌آید، افزایش جمعیت آنهاست. از یک طرف با ساکن شدن مهاجرین در شهر بر شمار ساکنین شهر افزوده گشته و از طرف دیگر میزان باروری بالای زنان روستایی در افزایش میزان رشد شهر تأثیر می‌گذارد. تازه مهاجرین مردمی‌ند که اکثر آدر سنین جوانی هستند به عنوان یک نیروی مولد نسل در این افزایش شرکت دارند (مشهدی زاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۱۱۷). از آنجایی که

○ بسیاری از کشورهای رو به توسعه از آمیزه سه پدیده مهاجرت سیل آسا از روستا به شهر، بهره‌وری ناچیز کشاورزی و بیکاری و کم کاری فزاینده شهری و روستایی به ستوه آمده‌اند. این سه پدیده به هم گره خورده و هر یک دیگری را تقویت می‌کند: بهره‌وری ناچیز کشاورزی در روستا سبب کم کاری و بیکاری می‌شود و بیکاری به مهاجرت می‌انجامد. بدین سان، آثار دو عامل بهره‌وری ناچیز کشاورزی و کم کاری و بیکاری در مهاجرت نمود می‌یابد و مهاجرت بیکاری و کم کاری را در شهرها افزایش می‌دهد.

تأمین کنند و تصور می‌رفت که این فرایند از نظر اجتماعی مفید است (تودارو، ۱۳۶۶: ۳۸۱). در مقابل این دیدگاه، امروزه با توجه به تجربه کشورهای در حال توسعه کاملاً روشن است که آهنگ مهاجرت از روستا به شهر از آهنگ ایجاد مشاغل شهری فزونی یافته و تا حدود زیادی از ظرفیت صنایع و خدمات اجتماعی شهری در جذب مؤثر کارگران فراتر رفته است لذا امروزه مهاجرت باید به عنوان عامل اساسی تقویت کننده پدیده همه‌جا حاضر کارگرافاضافی شهری، بررسی شود در واقع این پدیده باید به عنوان نیروی مطالعه شود که موجب تشدید مسائل جدی بیکاری شهری، که خود ناشی از وجود عدم تعادل‌های اقتصادی و ساختی بین مناطق شهری و روستایی است، می‌شود. اثر مهاجرت در فرایند توسعه بسیار حادث‌تر از تشدید بیکاری و کم کاری شهری است. در واقع، اهمیت پدیده مهاجرت حتی در تأثیر آن در تخصیص بخشی منابع انسانی نیست، بلکه اثرات آن در رشد اقتصادی به‌طور کلی و در خصوصیات رشد و بویژه در نمودهای توزیعی آن است و از این روست که مطالعه مهاجرت در سالهای اخیر اهمیت فزاینده‌ای یافته است (همان منبع، ۳۸۲).

از طرفی رشد سریع مناطق شهری از طریق مهاجرت و افزایش طبیعی جمعیت، فشارهای زیاد بر زمین شهری، خدمات و بازارهای کار وارد آورده است. این فشارها عبارتند

روستاها بسیاری از نیروهای تولیدی خود را از دست داده و از سوی دیگر شهرها توانایی جذب هزاران نیروی انسانی جویای کار را ندارند، این روند باعث پیدایش بیکاری پنهان، اشتغال کاذب و بیکاری آشکار می‌گردد (مشهدی زاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۱۱۷).

تأثیرات اقتصادی مهاجرت به مقدار زیادی به نوع مهاجرین بستگی دارد. تحصیلات، منابع اقتصادی، سن و جنس بر تحرك اقتصادی مهاجرین اثر می‌گذارد. در نتیجه اشتغال، شغل و درآمد بدست آمده بعد از ورود ممکن است در بین افراد بومی و مهاجرین متحرك و کم تحرك متفاوت باشند؛ بعضی از مهاجرین ممکن است از طریق افزایش بازده تولید، درآمد و پس انداز بیشتر، تولید سرمایه، تنوع صنعت و خدمات خانه‌سازی و تقاضای بیشتر برای کالاهای مصرفی به اقتصاد شهر کمک کنند، از طرف دیگر خیلی از مهاجرین با افزایش بیکاری یا کم کاری، کاهش بازده تولید، افزایش تقاضای خدمات هزینه‌سازی شهری، مالیات سرانه کمتر و کسری بودجه شهر، به اقتصاد شهر آسیب می‌رسانند (فنی‌دلی، ۱۳۷۳: ۹۵). امروزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از ترکیب منحصر به فرد سه پدیده مهاجرت عظیم جمعیتی از روستا به شهر، بهره‌وری پایین کشاورزی و بیکاری و کم کاری فزاینده شهری و روستایی به ستوه آمده‌اند. این سه پدیده با یکدیگر مرتبط اند و هر یک دیگری را تقویت می‌کند. زیرا بهره‌وری پایین کشاورزی در روستا موجب کم کاری و بیکاری می‌شود و بیکاری موجب مهاجرت می‌گردد؛ بدین ترتیب آثار دو عامل بهره‌وری پایین کشاورزی و کم کاری و بیکاری در مهاجرت نمود می‌یابد و مهاجرت، بیکاری و کم کاری را در شهرها افزایش می‌دهد (خزاعی، ۱۳۷۷: ۱۷۸).

۳- پیدایش و گسترش محلات حاشیه‌نشین شهری

آهنگ شتابان مهاجرتهای بی‌رویه از روستا به شهر، علاوه بر دامن زدن به نابسامانیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حاشیه‌نشینی شهری را نیز بدیدمی آورد و در واقع فقر روستایی به فقر شهری با کلیه محرک‌های آن تغییر مکان می‌دهد. شتاب گرفتن مهاجرتهای داخلی و افزایش سریع جمعیت شهرها، به پیدایش صورتهای گوناگون حاشیه‌نشینی در داخل محدوده و خارج از محدوده شهری، و نیز در بافتهای انحطاط یافته و فقیرنشین شهرهای بزرگ می‌انجامد (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۲۰). وقتی نیروی انسانی غیر ماهر روستایی به شهر می‌آید، کاری جز شرکت در امور ساختمانی و مشاغل سطح پایین رانمی‌تواند برگزیند، لذا به دنبال اشباع این امور به دست فروشی، سیگار فروشی، دوره گردی، قاچاق و امثال آن روی

اغلب مهاجرین از قشر جوان و نوجوان هستند، در صورتی که شهر جوابگوی نیازهای شغلی آنان باشد و جذب فعالیت‌های انگلی و غیر مجاز نشوند، مسلماً عرضه نیروی کار مفید در شهرها افزایش یافته و رشد اقتصادی نیز به همراه رشد اجتماعی پدیدار خواهد شد. اما در صورتیکه شهرها ظرفیت پذیرش نداشته باشند و قادر به تأمین خدمات عمومی برای جامعه شهر نباشد موجب می‌شود که بخشهای حاشیه‌ای شهرها از امکانات زیربنایی، بهداشتی و آموزشی محروم باشند و به همان نسبت اعتبارات لازم، برنامه‌ریزیها و توجهات بیشتری را از مسئولین ذیربط طلب می‌کنند و بر میزان مشکلات افزوده خواهد شد (مستوفی الممالکی، ۱۳۷۶: ۹۱). بطوریکه بیشتر مهاجرین روستایی که وارد شهرهای شونده از قشر جوان و نوجوان هستند به طوری که ۷۲ درصد از مهاجرینی که وارد شهرهای ایران در طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ شده‌اند اگر و ههای سنی زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهد و فقط ۸ درصد در سنین بالای ۵۰ سال می‌باشند. جوانی جمعیت مهاجر بطور مضاعفی نیازهای جدید و به همین نسبت مشکلات شهری را تشدید می‌نماید.

۲- نابسامانیهای اقتصادی و اجتماعی در شهر

مهاجرت علاوه بر توسعه شهری، بر بافت اجتماعی و اقتصادی شهرها نیز بطور محسوس اثر می‌گذارد. شیوه زندگی مهاجرین بر تراکم جمعیت شهر، الگوهای استفاده از زمین، دسترسی و توزیع امکانات و خدمات شهری تأثیر می‌گذارد. مهاجرین از نظر اجتماعی تغییراتی را می‌پذیرند که به تبع آن بافت اجتماعی شهر را نیز تغییر می‌دهند. شباهتها و تفاوت‌های بین شیوه زندگی مهاجرین و شهر و ندان، بررسی تأثیرات اجتماعی را بسیار مشکل می‌کند اما سعی می‌شود تا بر اساس بعضی تفاوت‌های خاص بین دو شیوه زندگی، شامل تغییرات در تعادل طبقات اجتماعی شهر، تفاوت‌های سازش اجتماعی و همسایگی و تغییرات در سطح زندگی در شهر و مناطق همجوار به کارکردهای اجتماعی شهر ناشی از مهاجرت پرداخته شود. تأثیرات اقتصادی به وسیله ارزیابی تغییرات در شاخصهای مختلف اقتصادی قبل و بعد از مهاجرت، تعیین می‌شود. معمولاً معیارهای تغییرات در سطوح اشتغال، سلسله مراتب شغلی، سطوح درآمد، پس اندازها و سرمایه اندوزیها و بودجه‌ها و هزینه‌های دولتی، مورد استفاده قرار می‌گیرد (فنی‌دلی، ۱۳۷۳: ۸۲).

فشار جمعیتی که طالب شغل، خدمات و رفاه است به بافت اقتصادی ناسالم و وابسته‌ای که با سیل مهاجرت مواجه شده، نابسامانی و عقب ماندگی را تحمیل می‌کند؛ چرا که از یک سو

می آورد. هنگامی که سطح پایین درآمد از یک طرف و کمبود مسکن و در صورت موجود بودن گرانی آن، اجازه ایجاد یک سرپناه مناسب را ندهد به اجبار به حاشیه شهرها، زمینهای خالی، مسیلهای و فضاهای بایر ناهنجار و ناهموار روی آورده و آنجا برای سکونت بر میگزیند و به صورت حاشیه نشینی، زاغه نشینی، آلونک نشینی، کپر نشینی و... سیمای شهر را زشت و بدقواره جلوه می دهند. بدین ترتیب با تشکیل چنین مناطقی، پایگاهی می شود برای ورود خویشان و آشنایان. لذا نتیجه شدیدی رویه بی برنامه شهرها؛ شکلی غیر استاندارد، نامطلوب، کثیف و آلوده شهری است (مشهدی زاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۱۱۷).

امروزه تقریباً تمام کارشناسان مسائل توسعه بر این باورند

که رشد نامتعادل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود نابرابریها و عدم توازن جغرافیایی (فاصله شهر و روستا) می شود و در پی آن گروههای متعدد روستاییان به شهرها مهاجرت می کنند و در شهرها نه جذب فعالیت های اقتصادی مولد شهری می شود و نه به جامعه و فرهنگ شهری می پیوندند زیرا در حقیقت بیگانه از فرهنگ و جامعه شهری و خالی از هر گونه مهارتی اند که در اقتصاد شهرها جذب شوند. از اینرو، در حاشیه زندگی شهری، در محدوده استحفاظی شهرها و اراضی بایر غصب شده و در پیرامون بافت های فقیر نشین شهری سکنی می گزینند و سکونتگاههای ناهنجار خود را، خودسازراپدید می آورند و از خدمات زیربنایی، اجتماعی و فرهنگی شهری کاملاً بی بهره اند (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۲۴).

جدول شماره ۱: تغییرات جمعیت شهری و روستایی ایران در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ (میلیون نفر - درصد)

جمعیت	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	درصد رشد ۱۳۳۵-۷۵
کل کشور	۱۸/۹۵	۲۵/۰۸	۳۳/۷۱	۴۹/۴۴	۵۵/۸۴	۶۰/۰۵	۲/۹
شهری	۵/۹۵	۹/۷۹	۱۵/۸۵	۲۶/۸۴	۳۱/۸۴	۳۶/۸۲	۴/۷
روستایی	۱۳	۱۵/۲۹	۱۷/۸۶	۲۲/۶	۲۴	۲۳/۲۳	۱/۴۶

منبع: (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۹)

جدول شماره ۲: میزان کمی و گروههای سنی مهاجران وارد شده به نقاط شهری و روستایی ایران در طول دهه ۶۵-۱۳۵۵ (درصد)

ردیف	گروههای سنی	تعداد مهاجرین در سطح کشور	مهاجرین وارد شده به نقاط شهری	مهاجرین وارد شده از روستایی به روستایی دیگر
۱	کلیه سنین	۵۸۳۰۶۲۵ (۱۰۰ درصد)	۴۰۴۲۹۰۲ (۶۹/۵ درصد)	۱۷۷۷۷۲۳ (۳۰/۵ درصد)
۲	۰-۹	۲۰/۷	۱۹/۵	۲۳/۵
۳	۱۰-۱۹	۲۵	۲۵/۳	۲۳/۹
۴	۲۰-۲۹	۲۶/۴	۲۷	۲۴/۹
۵	۳۰-۳۹	۱۳/۳	۱۳/۶	۱۲/۷
۶	۴۰-۴۹	۶/۲	۶/۲	۶/۲
۷	۵۰-۵۹	۴/۶	۴/۶	۴/۷
۸	۶۰ به بالا	۳/۸	۳/۸	۴/۱

(منبع: مستوفی الممالکی، ۱۳۷۶: ۹۲)

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم زاده، عیسی: مهاجرتهای روستایی و علل و پیامدهای آن، نمونه: استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مشهد، شماره پیاپی ۶۰، بهار ۱۳۸۰.
۲. اویرای، آ. س. مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران، ۱۳۷۰.
۳. برنار شاریه، ژان: شهرها و روستاها، ترجمه دکتر سیروس سهامی، نشر نیکا، مشهد، ۱۳۷۳.
۴. بیک محمدی، حسن: فرهنگ شهرنشینی و توسعه پایدار، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه نامه جغرافیا و توسعه، شماره پیاپی ۱۳، اردیبهشت ماه ۱۳۸۰.
۵. پینته، ژان: مهاجرت روستاییان، ترجمه محمد مؤمنی کاشی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۶. تورادو، مایکل: توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۶.
۷. جوان، جعفر: جمعیت ایران و بستر جغرافیایی آن، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۶۷.
۸. جوان، جعفر: جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۹. جواهری پور، مهر دادو بابک داورپناه: سکونتگاههای ناپایدار اقشار کم درآمد شهری، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره هشتم، تهران، تابستان ۱۳۸۱.
۱۰. جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان: طرح تحقیقاتی بررسی مهاجرت در شهرستان طنز، گروه علوم انسانی، تیر ماه ۱۳۶۷.
۱۱. حاج یوسفی، علی: حاشیه نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره هشتم، تهران، تابستان ۱۳۸۱.
۱۲. حسامیان، فرخ، گیتی اعتماد و محمدرضا حائری: شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۳.
۱۳. حسین زاده دلیر، کریم: حاشیه نشینی در جستجوی معنی و مفهوم، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۱۴. حسین زاده دلیر، کریم: طرح تحقیقاتی حاشیه نشینان تبریز، مؤسسه تحقیقات شهری دانشگاه تبریز، ۱۳۶۱.
۱۵. حسین زاده دلیر، کریم: برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.
۱۶. خزاعی، علی: بررسی تحولات اشتغال روستایی و راههای گسترش آن، اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره ۱۳۲-۱۳۱، تهران، مرداد و شهریور ماه ۱۳۷۷.
۱۷. خضرائی، فرزین: توانمندسازی در اسکان غیر رسمی، تجربه زاهدان، هفت شهر، فصلنامه عمران و بهسازی شهری، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری، شماره هشتم، تهران، تابستان ۱۳۸۱.
۱۸. داویدور، زهره: نگاهی به سکونتگاههای خودرودر منطقه کلات شهری تهران، ماهنامه شهر دارها، انتشارات سازمان شهر دارهای کشور، شماره ۳۱، آذر ماه ۱۳۸۰.
۱۹. دراکاکیس اسمیت، دیوید: شهر جهان سومی، ترجمه فیروز جمالی، نشر توسعه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
۲۰. زاهدی مازندرانی، محمد جواد و محمدرضا حسینی کازرونی و کریم درویشی: نگرشی نوبه مهاجرت داخلی در ایران، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، تهران، شماره ۱۱، شهریور ماه ۱۳۶۶.
۲۱. شکوئی، حسین: جغرافیای اجتماعی شهر (اکولوژی اجتماعی شهر)، انتشارات توحید، چاپ دوم، تهران، زمستان ۱۳۷۲.
۲۲. شکوئی، حسین: دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۳.
۲۳. شیخی، محمد تقی: جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰.
۲۴. صرافی، مظفر: مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهر دارهای کشور، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۱.
۲۵. عابدین درکوش، سعید: درآمدی بر اقتصاد شهری، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۲۶. عطاری، عباس: عوارض و پیامدهای روانی گسترش شهرها، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، مهر ماه ۱۳۷۰.
۲۷. عظیمی، ناصر: مهاجرت از روستا به شهر نگاهی متفاوت، فصلنامه مدیریت شهری، انتشارات سازمان شهر دارهای کشور، شماره ۱۰، سال سوم، تابستان ۱۳۸۱.
۲۸. فنیدلی، سلی: برنامه ریزی مهاجرتهای داخلی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، انتشارات نوید، شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۲۹. گیلبرت، آلن و ژوزف گاگلر: شهرها، فقیر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی ناصری، انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین المللی شهرداری تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۵.
۳۰. گلنام، محمد ناصر: مختصری درباره حاشیه نشینان کرمانشاهان، تهران، انتشارات شقایق، ۱۳۶۱.
۳۱. لهسایی زاده، عبدالعلی: نظریات مهاجرت، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۳۲. مستوفی الممالکی، رضا: تحلیل اجتماعی-اقتصادی و سیاسی مؤثر در پیدایش و روند مهاجرتهای روستایی به نقاط شهری کشور و عواقب آن، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی مشهد، شماره پیاپی ۴۷، زمستان ۱۳۷۶.
۳۳. مشهدی زاده دهقانی، ناصر: تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، بهمن ماه ۱۳۷۴.